

اندر حکایت غسل تعمید صلح طلبانی که مخالفانشان را زنده زنده می سوزانند

۱۵ بهمن ۱۳۹۴ ساعت ۲۳:۴۱

در روزهای پس از توافق وین اظهارات متعددی از سوی سیاسیون موافق و مخالف در این رابطه مطرح گردیده است. برخی با انتقاد از برجام معتقدند بسیاری از خطوط قرمز نظام در متن نهایی رعایت نشده و اساساً برجام برخلاف منافع ملی مورد تأیید طرف ایرانی قرار گرفته است. در سوی مقابل اما عده ای دیگر با تأکید بر موفقیت آمیز بودن مذاکرات هسته ای ضمن تأکید بر نتیجه برد-برد هم‌آوردی ۲۲ ماهه ایران با غرب معتقدند رسیدن به توافق هسته ای در حال حاضر بهترین راه برای تحقق منافع ملی کشور بوده است. در کنار این دو دیدگاه که اظهارات خود را بر موضوع هسته ای متمرکز نموده اند دسته سومی حضور دارند که با «ذوق زدگی» غیرقابل توصیف ضمن حمایت صریح و افراطی از توافق وین به دنبال تسری این توافق به دیگر ابعاد رابطه ایران با غرب به ویژه آمریکا هستند.

جوان و تاریخ- شهاب الدین سینایی

در روزهای پس از توافق وین اظهارات متعددی از سوی سیاسیون موافق و مخالف در این رابطه مطرح گردیده است. برخی با انتقاد از برجام معتقدند بسیاری از خطوط قرمز نظام در متن نهایی رعایت نشده و اساساً برجام برخلاف منافع ملی مورد تأیید طرف ایرانی قرار گرفته است. در سوی مقابل اما عده ای دیگر با تأکید بر موفقیت آمیز بودن مذاکرات هسته ای ضمن تأکید بر نتیجه برد-برد هم‌آوردی ۲۲ ماهه ایران با غرب معتقدند رسیدن به توافق هسته ای در حال حاضر بهترین راه برای تحقق منافع ملی کشور بوده است. در کنار این دو دیدگاه که اظهارات خود را بر موضوع هسته ای متمرکز نموده اند دسته سومی حضور دارند که با «ذوق زدگی» غیرقابل توصیف ضمن حمایت صریح و افراطی از توافق وین به دنبال تسری این توافق به دیگر ابعاد رابطه ایران با غرب به ویژه آمریکا هستند.

این جریان ذوق زده به ویژه در روزهای اخیر تا بدانجا پیش رفته اند که ضمن اعلام حمایت از مواضع دموکراتهای ایالات متحده به رهبری باراک اوباما در اظهاراتی تعجب برانگیز بر این باورند که ایران باید از مواضع و رویکردهای صلح طلبانه دولت دموکرات فعلی ایالات متحده بهره برده و تفاهم هسته ای را به دیگر موضوعات چالش برانگیز میان ایران و آمریکا تسری دهد.

این نگرش ساده انگارانه را می توان از منظر دو جریان مورد تدقیق قرار داد. جریان اول را می توان دسته ای از دلدادگان غرب به شمار آورد که اظهاراتشان نه از منظر صلح طلبی و دغدغه ملی بلکه از منظر دلدادگی زایدالوصف به غرب قابل تبیین است. این عده برآنند که اساساً باید از هر طریق ممکن (جنگ یا صلح) کشور را به سمت غرب هدایت کرد. نیاز به توضیح نیست که این جریان با داشتن ریشه های تاریخی نه تنها جریان نوظهوری نیست بلکه متأسفانه در دوران کنونی برخی شواهد و قرائن نشان از افزایش نفوذ این جریان در لایه های حساس سیاسی کشور دارد. در کنار این جریان شاهد جریانی دومی هستیم که اظهاراتشان بیش از آنکه برخاسته از اهداف و اغراض شوم سیاسی باشد بیشتر از منطری صلح طلبانه لکن با نگاهی ساده انگارانه قابل تبیین است. این عده با تأکید بر نظریه صلح دموکراتیک برآنند که اساساً می توان با برخی تغییر مواضع با دموکراتهای آمریکایی که به باور این جریان برخلاف جمهوریخواهان آمریکایی صلح طلب هستند به تفاهمی جامع دست یافت. خود این ادعا بیش از هر چیز ناظر بر بدفهمی این جریان درباره این نظریه است. البته در کنار رد این ادعا در ساحت نظری در پایان با ذکر نمونه ای تاریخی به رد تاریخی این ادعا نیز پرداخته ایم.

بر اساس نظریه صلح دموکراتیک که بیش از هر چیز از دیدگاه های امانوئل کانت فیلسوف برجسته آلمانی نشأت گرفته است کشورهای دموکراتیک، اصولاً در روابط خارجی خود، صلح جو هستند و تمایلی به جنگ ندارند. یکی از پایه های اساسی این نظریه آنست که کشورهای به اصطلاح دموکراتیک در روابط میان خود، گرایش به حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات دارند. در عین حال این قرائت، ادعان می کند که کشورهای دموکراتیک، در روابط خود با کشورهای غیر دموکراتیک تفاوتی با کشورهای غیر دموکراتیک در صلح جویی ندارند. در این رابطه باید به چند موضوع اساسی اشاره داشت.

اول) این نظریه در دنیای روابط بین الملل جایگاهی نداشته و بیشتر در فضای ایده آلیسم انتزاعی کانتی قابل توجه است و بر همین اساس نظریه چندان قابل اعتنایی نیست. دوم) با فرض درستی این نظریه همانگونه که از مفاد اشاره شده پیداست این دیدگاه معتقد است حکومتهای دموکرات تنها با هم نوعان خود که آنها هم دموکراتیک هستند سر جنگ ندارد و مشکلاتش را از راه های مسالمت آمیز حل می نماید. پرواضح است که از دیدگاه دموکراتهای ایالات متحده فقط خودشان و هم پیمانانشان و هر آن کشوری که در راستای اهداف آنها گام بردارد دموکراتیک است و دیگر کشورها از جمله ایران نه تنها دموکراتیک نیستند بلکه تفاوتهای فراوانی با دموکراسی آمریکایی نیز دارند. سوم) اساساً این نظریه به تفاوتهای نگرشی احزاب سیاسی کشورهای دموکراتیک اشاره ای نداشته و به نوع حکومتها توجه دارد بر این اساس از منظر این نظریه در بحث صلح طلبی تفاوتی میان احزاب دموکرات و جمهوریخواه آمریکایی نیست و نباید از این منظر چندان ذوق زده شد.

بنا بر این نه تنها نمی توان ادعای صلح طلبی و صلح دوستی دموکراتهای آمریکایی را با توسل به مباحث نظری بی ربطی چون صلح دموکراتیک تبیین نمود بلکه به لحاظ تاریخی نیز شاهد تناقضهای آشکار در رفتار دموکراتهای آمریکایی هستیم. در ادامه با بازخوانی حادثه تاسف برانگیز «ویکو» به تنها یکی از نمونه های تاریخی در رد ادعای صلح طلبی دموکراتهای آمریکایی پرداخته ایم.

ماجرای تاسف برانگیز ویکو که در نخستین ماه های حکومت بیل کلینتون (۲۸ فوریه سال ۱۹۹۳ تا ۱۹ آوریل) در شهر تگزاس به وقوع پیوست یکی از نموده های آشکار رفتار وحشیانه حاکمین دموکرات آمریکا نه علیه دیگر کشورها بلکه علیه شهروندان خود است. در روز ۲۸ فوریه سال ۱۹۹۳ مأموران امنیتی و انتظامی آمریکایی به تبعیت دستورات صادر شده از سوی حکومت دموکرات آمریکا به مقر فرقه داویدیان به رهبری کورش دیوید در شهرک ویکو در ایالت تگزاس، یورش بردند و این مرکز را محاصره نمودند. پس از ۵۱ روز محاصره نهایتاً در ۱۹ آوریل ۱۹۹۳ در حالی که اعضای این فرقه از ۲۸ فوریه در ساختمانی در شهر ویکوی تگزاس جمع شده بودند، مورد هجوم تانکها و مأموران آمریکایی قرار گرفتند. بنا بر ادعای ناظرین مامورین افبیآی با آتش زدن ساختمانی که پیروان این فرقه در آن تجمع نموده بودند تمام ساکنین آن از جمله تعداد بسیاری از زنان و کودکان را زنده زنده در آتش سوزاندند.

همانگونه که پیداست نه به لحاظ تئوریک و نه به جهت تاریخی نمی توان ادعای ناظر بر صلح طلبی دموکراتهای آمریکایی را تصدیق نمود. بر این اساس سوالی که در انتهای این یادداشت باید طرح نمود آنست که به راستی تسری تفاهم نیمبند وین که با فاز عملیاتی و اجرایی خود فاصله بسیار زیادی دارد به دیگر حوزه های چالش برانگیز ایران با آمریکا منافع چه کسانی را با خود به همراه دارد؟ بی تردید پاسخ به این سوال درک بسیاری از روندهای سیاسی موجود در عرصه سیاسی کشور را ممکن خواهد نمود.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۲۰۹۵۸/سوزاندن-میز-زنده-مخالفانشان-طالبانی-صاح-تعمید-فلسه-حکایت-اندر>